



فدراسیون و تیم ملی نیاز به تغییر دارند نه افکار عمومی

آدرس غلط برای نسخه موفقیت در جام ملت‌ها

نگاه فنی

محمد قزاق‌نلو

خبرنگار

سرمقاله دیروز روزنامه فدراسیون فوتبال جالب توجه بود. اولین نکته مربوط به تصویر انتخاب شده بود که جلب توجه می‌کرد. تصویری از بازیکنان نیمکت‌نشین تیم ملی از نمای پشت که با تیتیر «مأموریت تازه بوزها» اشاره‌ای به شروع حرکت دوباره تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا داشت. اولین نکته تصویر انتخاب شده با حضور بازیکنانی مثل امیرمحمد رزاقی‌نیا، صالح حمدانی، دنیس اکرت، علی علیپور، حسین کنعانی، محمد قربانی و دانیال ایزی این نکته را به ذهن القا می‌کند که احتمالاً یک پوست‌اندازی نصف و نیمه تا جام ملت‌ها خواهیم داشت و قرار است به بازیکنانی که در جام جهانی خیلی کم به میدان رفتند یا اصلاً استفاده نشدند میدان داده شود. اما هم انتخاب این عکس هم متن سرمقاله - که در آن به وضوح اشاره شده بود مردم همان ۲۶ یوزی که برای صعود به جام جهانی رفته بودند را ببخشند - با ماجرای پوست‌اندازی در تیم ملی منافات دارد. اول اینکه قاعدتاً بازیکنانی مثل حسین کنعانی‌زادگان یا علی علیپور با وجود کیفیت فنی‌شان می‌توانند جزو گروهی باشند که در پروسه پوست‌اندازی حل خواهند شد اما در متن سرمقاله اساس و پایه مطلب براساس حرف‌های اخیر

علیرضا بیرانوند در یک برنامه تلویزیونی استوار است. این یعنی که بیرانوند نیز یکی از سربازان اصلی تیم ملی در جام ملت‌ها خواهد بود که خود همین با ماجرای پوست‌اندازی واقعی و اصولی منافات دارد و همان‌طور که قلعه‌نویی بی‌سروصدا ایضا شده و به کارش ادامه خواهد داد، تقریباً همه آن نفراتی که به جام جهانی رفتند شانس حضور در جام ملت‌های آسیا را خواهند داشت و بعید است نه بازیکنی خودش کناره‌گیری کند نه کادرفنی کنارش بگذارد.

با این حساب از حالا تمام آن ۱۶بازیکن بالای ۳۰ سال تیم ملی که حضور در یک جام جهانی دیگر در رزومه خیلی‌هاشان طلاکوب شده منتظر اعلام فهرست بعدی تیم ملی هستند و برای فیفادی بعدی که دو ماه دیگر خواهد بود دندان تیز کرده‌اند.

از مساله پوست‌اندازی در تیم ملی و ناامیدی از اجرای این طرح که بگذریم آنچه در متن سرمقاله مورد اشاره جالب توجه به نظر می‌رسد تأکید بر حرف‌های احساسی بیرانوند است. اینکه بازیکنان تیم ملی باور دارند که یک فیفال و یک جام به مردم ایران بدهکارند و فیفال جام ملت‌ها قرار است محل حضور «یکدل‌ترین تیم ملی تاریخ ایران» باشد که البته تأکید شده همه اینها شعار نیست و قرار است نقشه راه آینده باشد!

در این متن تأکید شده که مطابق درخواست بیرانوند، بهتر است مردم بازیکنان تیم ملی را ببخشند و برای موفقیت در جام ملت‌ها از این تیم ملی حمایت کنند تا در

چرخه معیوب فوتبال به کیفیت لیگ برتر برمی‌گردد

کفاشیان: فعلاً گزینه‌ای بهتر از قلعه‌نویی نداریم



فائزه زمانی

خبرنگار

کرده و نه ناکام بوده؛ او با دفاع از ادامه کار امیر قلعه‌نویی تأکید می‌کند که بزرگ‌ترین بحران فوتبال ایران نه روی نیمکت تیم ملی، بلکه در بی‌توجهی به جوانگرایی در لیگ برتر ریشه دارد.

نظرات متناقضی درباره نتیجه تیم ملی در جام وجود دارد. دوستان معتقد هستند

مقایسه مومنتوم هجومی ایران با قدرت‌های آسیایی در جام جهانی

تیم ملی واقعاً چند دقیقه حمله کرد؟

سوژه

آمارهای فنی و شاخص‌های مومنتوم در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد تصویر رایج از عملکرد تیم ملی ایران، یعنی تپیی که صرفاً در لاک دفاعی فرو رفته بود، با واقعیت مسابقات فاصله دارد. ایران در سه دیدار مقابل نیوزیلند، مصر و بلژیک بارها توانست جریان بازی را به سود خود تغییر دهد و در مقاطعی ابتکار عمل را در اختیار بگیرد، اما آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، ناتوانی در حفظ فشار هجومی و تبدیل برتری‌های مقطعی به موقعیت‌های گلزنی است.

بررسی شاخص‌هایی مانند «فشار هجومی مؤثر»، «خلق موقعیت مسلم گل»، «امید گلزنی (XG)» و «حضور مستمر در یک‌سوم دفاعی حریف» نشان می‌دهد ایران در مجموع سه مسابقه تنها حدود ۴۰ دقیقه فشار هجومی مداوم و مؤثر روی دروازه رقیب ایجاد کرد؛ رقمی که معادل حدود ۱۵ درصد از مجموع ۲۷۰ دقیقه بازی‌های مرحله گروهی است. این آمار نشان می‌دهد اگرچه تیم ملی در دقایقی از مسابقات مالک توپ یا حاضر در نیمه زمین حریف بود،

اما تنها در بخش محدودی از بازی‌ها توانست این برتری را به حملات خطرناک و موقعیت‌های واقعی گل تبدیل کند. ایران در این سه مسابقه مجموعاً حدود ۲۰۸ امید گل (XG) تولید کرد و تنها چهار موقعیت مسلم گلزنی (Big Chances) به دست آورد. این اعداد نشان می‌دهد میانگین کیفیت فرصت‌های ایجاد شده برای تیم ملی پایین‌تر از استاندارد تیم‌های برتر آسیایی بوده و مهاجمان ایران کمتر در موقعیت‌های ایده‌آل برای گلزنی قرار گرفته‌اند.

مقایسه با سایر نمایندگان آسیا، فاصله ایران را به‌خوبی نشان می‌دهد. ژاپن که بهترین عملکرد هجومی قاره را در مرحله گروهی داشت، در چهار بازی (با احتساب بازی حذفی مقابل برزیل) حدود ۷۵ دقیقه فشار هجومی مستمر روی دروازه حریفان ایجاد کرد، ۹ موقعیت مسلم گل ساخت و شاخص XG این تیم به حدود ۵۰۸ رسید. کره جنوبی نیز با حدود ۶۸ دقیقه فشار هجومی، هشت موقعیت پزگ گل و ۵۰۱ XG عملکردی نزدیک به ژاپن داشت و نشان داد توانایی حفظ جریان حمله در بازه‌های طولانی را دارد.

استرالیا (چهار بازی) نیز اگرچه از نظر کیفیت بازیکنان با ژاپن و کره قابل مقایسه نیست، اما



عکس: فدراسیون فوتبال |

فوتبال، سایر مدیران این نهاد و سرمربی تیم ملی که از مردم عذرخواهی نکردند و پاسخگو هم نبودند اما چرا همه چیز معطوف به حمایت مردم و شدت و ضعف این فاکتور می‌شود و چرا این فاکتور را این قدر بزرگ می‌کنید که مثلاً اگر این مهم به بهترین شکل وجود داشت تیم ملی از گروهب در جام جهانی صعود می‌کرد؟

موفقیت در فوتبال و رسیدن به اهدافی مثل صعود به مرحله حذفی جام جهانی یا رسیدن به‌عنوان قهرمانی جام ملت‌های آسیا نیاز به تدوین یک برنامه، مقدمه‌چینی، برنامه‌ریزی صحیح و اجرا یا پیش‌بردن برنامه‌ها با در نظر گرفتن تمام جزئیات دارد که

هر کدام از اینها زیرمجموعه‌های مجزا دارند و باید در هر بخش همه کارشان را بی‌نقص و باکیفیت انجام دهند. حالا اگر واقعاً قرار است به قهرمانی در جام ملت‌های آسیا فکر کنیم نیاز به تغییرات زیادی داریم و این تغییرات باید از بدنه تیم ملی شروع شوند نه از ذهن و تفکر مردم. مدیران فدراسیون فوتبال و مدل مدیریت فوتبال باید تغییر کنند. کادرفنی و مدل اداره تیم ملی باید تغییراتی داشته باشد، کادر بازیکنان و اسکواد تیم ملی نیاز به اصلاح دارد و حتی اگر پوست‌اندازی کلی صورت نگیرد نیاز به رفرم دارد. فلسفه فوتبال‌مان در دهه ملی باید مشخص شده و

براساس آن تیم‌های ملی پایه نیز برنامه‌های فنی خود را پیش ببرند، مدل آماده‌سازی با در نظر گرفتن مشکلات بسیار دقیق‌تر باشد و در زمان اجرا جزئیات فنی باید بسیار بهتر و دقیق‌تر رعایت شده و باکیفیت‌تر عمل کنیم. همه اینها اگر حاصل شد می‌توان انتظار داشت تیم ملی در سایه همدلی و اتحاد به موفقیتی که همه انتظارش را می‌کشند دست یابد وگرنه هیچ اتفاق جذابی نخواهد افتاد و دوباره همه بعد از یک شکست و ناکامی تکراری دیگر با سؤال‌های تکراری دیگری مواجهیم که جواب‌شان مشخص است اما نهاد متولی فوتبال بی‌تفاوت از آن عبور می‌کند و راه خودش را می‌رود.

نیروی جوان به رقابت‌های داخلی تزریق شوند. سرمربی باید لیگ را زیر نظر داشته باشد و به سرمربیان تیم‌ها خط دهد تا جوانان را به کار بگیرند. تیم قلعه‌نویی می‌تواند به فینال جام ملت‌ها برسد؟

باید جوانگرایی صورت بگیرد. همیشه تیم ملی در جام ملت‌ها حرف برای گفتن داشته و امیدوارم در این دوره هم به فینال این رقابت‌ها راه پیدا کنیم. کادرفنی معتقد است تیم ملی جای تولید بازیکن نیست و از طرفی با بررسی‌های ظرفیت‌های موجود می‌بینیم که نیروی جوان بسیار محدود است. این چرخه معیوب از کج‌انداخت می‌گیرد؟

این موضوع به مقررات اجرا نشده در سازمان لیگ برمی‌گردد. باید تلاش و فشار لازم به کار گرفته شود تا باشگاه‌های لیگ برتری از جوانان استفاده کنند. صرف بستن قرارداد با بازیکنان دردی دوا نمی‌کند و باید جوانان در قالب تیم‌های مختلف بازی کنند. سازمان لیگ باید روی این موضوع نظارت داشته باشد که جوانان به کار گرفته شوند. متأسفانه باشگاه‌ها و مدیران ما فقط جهانی شروع می‌شود و امروز این به ضرر تیم ملی است. باید هرچه زودتر جوانگرایی با سرسختی و نظارت در الان زده شود. همچنین باید تیم ملی هم سرایت کند.

مآندن قلعه‌نویی به فوتبال ایران کمک می‌کند؟ در حال حاضر بهتر از قلعه‌نویی برای مربیگری تیم ملی نداریم. شرایط کشور هم به گونه‌ای نیست که مربی خارجی بیاید. بنابراین بهترین گزینه حفظ کادرفنی فعلی است. به هرحال این کادر در تیم جا افتاده و مسلط به مسائل ملی هستند. فقط باید جوانگرایی انجام شود تا تیمی جوان‌تر به جام ملت‌ها اعزام شود. اما این‌طور که به نظر می‌رسد بعید است جوانگرایی برای جام ملت‌ها هم صورت بگیرد و احتمالاً این پروسه باز هم به تعویق بیفتد.

برای حیات تیم ملی باید جوانگرایی از همین الان شروع شود. جام ملت‌ها هم که تمام شود، دوباره انتخابی‌های جام جهانی شروع می‌شود و امروز و فردا کردن درست نیست. باید استارت این کار از همین الان زده شود. همچنین باید لیگ‌ها از سرگرفته شده و



به‌مراتب کمتر از رقبای آسیایی بود. این موضوع نشان می‌دهد مشکل اصلی تیم ملی صرفاً رسیدن به زمین حریف نیست؛ بلکه آخرین پاس، تصمیم‌گیری در یک‌سوم هجومی و تنوع راه‌های نفوذ همچنان نقطه ضعف اصلی محسوب می‌شود. جمع‌بندی این آمارها نشان می‌دهد تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ نسبت به دوره‌های گذشته از نظر سازمان دفاعی و مدیریت جریان مسابقه پیشرفت‌هایی داشته، اما هنوز خواهد شد.

سؤال روز

مقایسه مدل فوتبال تیم ملی در دو جام جهانی اخیر

آیا قلعه‌نویی واقعاً مربی متعادل است؟

«امیر قلعه‌نویی از نظر حمله و دفاع مربی متعادل است.» این جمله هومن افاضلی پس از حذف تیم ملی و به‌عنوان یک شاخصه از سرمربی که گروهب و البته خودش ناکامی در جام جهانی را قبول ندارند، یکی از مهم‌ترین بحث‌های فنی پیرامون تیم ملی را شکل داد. اما آیا آمار نیز این ادعا را تأیید می‌کند یا تنها یک برداشت تاکتیکی است؟ برای پاسخ به این سؤال، باید تیم ملی ایران در دو جام جهانی اخیر را کنار هم قرار داد؛ جام جهانی ۲۰۲۲ قطر با هدایت کارلوس کی‌روش و جام جهانی ۲۰۲۶ با هدایت امیر قلعه‌نویی. و واقعیت این است که در فوتبال مدرن دیگر تنها نتیجه مسابقه معیار قضاوت نیست بلکه شاخص‌هایی مانند مالکیت توپ، تعداد شوت، شوت در چهارچوب، امید گل (XG)، تعداد حملات، کیفیت موقعیت‌های گل و عملکرد دفاعی، تصویر روشن‌تری از هویت واقعی یک تیم ارائه می‌کنند.

از فوتبال واکنشی تا فوتبال متعادل

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ با فلسفه‌ای کاملاً مشخص وارد مسابقات شد: دفاع فشرده، بستن فضاها، واگذاری مالکیت توپ به حریف و استفاده از ضد حمله. مقابل انگلیس، ولز و آمریکا، ایران کمتر به دنبال کنترل جریان بازی بود و بیشتر تلاش می‌کرد ساختار دفاعی خود را حفظ کند. حتی پیروزی مقابل ولز نیز بیش از آنکه حاصل برتری در مالکیت باشد، محصول صبر، نظم تاکتیکی و استفاده از لحظات پآانی مسابقه بود. اما چهار سال بعد، تصویر تیم ملی تا حدی تغییر کرد. در جام جهانی ۲۰۲۶، ایران تلاش بیشتری برای گردش توپ، بازی‌سازی از عقب زمین و حفظ مالکیت نشان داد. تیم قلعه‌نویی دیگر صرفاً منتظر اشتباه حریف نمی‌ماند و در مقاطعی سعی می‌کند ابتکار عمل را نیز در اختیار بگیرد. با این حال، این تغییر به معنای تبدیل شدن ایران به یک تیم کاملاً هجومی نیست؛ بلکه نشانه حرکت به سمت فوتبالی متعادل‌تر است.

خط حمله؛ پیشرفت محسوس اما نه در حد قدرت‌های آسیا

آمارهای فیفا و داده‌های تحلیلی نشان می‌دهد ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ نسبت به دوره قبل، تعداد حملات و کیفیت برخی موقعیت‌های خود را افزایش داده اما همچنان در شاخص‌های تهاجمی از تیم‌های برتر آسیا عقب‌تر است. در پایان مرحله گروهی، ایران تنها سه گل به ثمر رساند و در جدول شاخص‌های هجومی از نظر تعداد شوت، شوت در چهارچوب و کیفیت موقعیت‌ها در نیمه پایین جدول قرار گرفت. نکته مهم اینکه در جام جهانی ۲۰۲۶، ایران در بعضی مسابقات تلاش کرد بازی را با پاس‌های بیشتر از عقب زمین آغاز کند و حملات خود را با صبر بیشتری شکل دهد؛ موضوعی که در دوره کی‌روش کمتر دیده می‌شد. با این حال، این تغییر هنوز به افزایش چشمگیر خلق موقعیت‌های باکیفیت منجر نشده است و آمار XG نشان می‌دهد تیم ملی همچنان برای رسیدن به دروازه حریف با مشکل روبه‌رو است.

دفاع؛ همچنان نقطه اتکای تیم ملی

اگر در بخش هجومی تغییراتی دیده می‌شود، در فاز دفاعی همچنان می‌توان ردپای همان اصول قدیمی را مشاهده کرد. ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز مانند دوره کی‌روش، سعی کرد فاصله خطوط را حفظ کند و در برابر حریفان قدرتمند با سازمان دفاعی مناسب بازی کند. تفاوت اینجاست که تیم قلعه‌نویی در زمان مالکیت توپ، ریسک بیشتری نسبت به گذشته می‌پذیرد و مدافعان نیز بیشتر در جریان بازی‌سازی مشارکت دارند. با این حال، آمارها نشان می‌دهد ایران در مرحله گروهی همچنان تعداد قابل توجهی شوت دریافت کرده است و در مقاطعی زیر فشار حریفان قرار گرفته؛ موضوعی که نشان می‌دهد تعادل مورد نظر کادرفنی هنوز به ثبات کامل نرسیده است.

آیا حق با مربی تیم ملی است؟

اگر تیم‌های ملی را روی یک خط فرضی قرار دهیم، یک سر آن فوتبال تدافعی و سردیگر فوتبال کاملاً تهاجمی است. براساس داده‌های دو جام جهانی اخیر، تیم کی‌روش به سمت فوتبال واکنشی و دفاع‌محور متمایل بود، در حالی که تیم قلعه‌نویی چند گام به مرکز این خط نزدیک شده است. آمار نشان می‌دهد ایران امروز نسبت به چهار سال قبل، مالکیت بیشتری می‌خواهد، حملات بیشتری طراحی می‌کند و برای کنترل جریان بازی تلاش بیشتری می‌کند اما هنوز به اندازه ژاپن، کره جنوبی یا حتی برخی تیم‌های متوسط اروپایی در خلق موقعیت‌های باکیفیت موفق نیست. از سوی دیگر، تیم ملی نیز مانند گذشته صرفاً یک تیم دفاعی نیست که تمام برنامه‌اش بر ضد حمله استوار باشد. شاید به همین دلیل بتوان گفت تعبیر «تیم متعادل» درباره ایران، تا حد زیادی با واقعیت آماری همخوانی دارد.

با این حال، فوتبال امروز تنها با حفظ تعادل موفق نمی‌شود. تیم‌هایی که در جام جهانی به مراحل بالاتر می‌رسند، علاوه بر ساختار دفاعی مناسب، در خلق موقعیت و حفظ فشار هجومی نیز برتری محسوسی دارند؛ بخشی که همچنان مهم‌ترین چالش تیم ملی ایران به شمار می‌رود. بنابراین اگر قرار باشد قضاوتی درباره تیم ملی امیر قلعه‌نویی داشته باشیم، شاید بهترین توصیف این باشد که ایران نسبت به جام جهانی ۲۰۲۲ یک گام از فوتبال صرفاً واکنشی فاصله گرفته، اما هنوز برای تبدیل شدن به تیمی که بتواند همزمان در دفاع و حمله جزو بهترین‌های آسیا باشد، راهی قابل توجه در پیش دارد.